

هشدار

هموطنان، اینک که پس از 23 سال حکومت ظلم و ستم در کشورمان، امید به رهایی میهن و انسجام میان نیروهای مثبت و منطقی مجدداً در قلب و روح ایرانیان جان گرفته، حرکت مبارزاتی مردم یکبار دیگر در خطر انفجار درونی از سوی عواملی مزدور، فاسد و بی شرم قرار گرفته است. این اتحاد نامقدس که میان عناصر فاسد، سودجو و غیرملی و دست نشانده های بدنام فراماسون، سیا و مزدوران دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی در شرف تشکل است، میکوشد که حرکت آزادیخواهانه و اصیل مردم ایران را برباید و با کمک وسائل ارتباط جمعی مستقر در کالیفرنیا - که اکثر آنها (نه همه آنها) شریک و همپالکی آنها در این دسیسه ضد مردمی هستند - تصویری کاذب از اوضاع و احوال و مواضع مبارزین در خارج و سخنگویان واقعی آنها ارائه دهد که در نهایت منجر به افشاگر دیدن چهره های واقعی این پلیدان توأم با نابودی روحیه در میان همزمان و از این طریق تداوم بیشتر نظام حاکم و ادامه بحران های موجود در کشورمان خواهد بود.

تردید نیست که ملت جوان ایران نه می خواهد و نه میتواند که به همراه اینگونه عناصر بدنام و فاسد بار رهایی از سلطه حکومت ولایتی و استقرار یک نظام مترقی و سکولار را به مقصد برساند لذا صدور این بیانیه صرفاً به دلیل آگاهی اذهان هم میهنان پاک و خوش نیستی که از اعمال و رفتار و تئینیت فاسد این مزدوران بی خبر می باشند تحریر گردیده است. به این دلیل از عموم هم میهنان علیرغم هرگونه وابستگی های عاطفی و سیاسی می خواهیم که هر نوع عملکرد و پشتیبانی خود را منوط به در نظر گرفتن نکات زیر بنمایند:

1) آیا پیام ها، رهنمودها و چهره هایی که از طریق وسائل ارتباط جمعی واقع در کالیفرنیا به هم میهنانمان در ایران ارائه می گردد، در اصل آن چیز است که از لحاظ سلامت و صداقت مورد نظر است؟ آیا بجز پیام ها و اظهارات آقای رضا پهلوی که به دلایل خاصی از یک سلسله امکانات منحصر به فرد در صحنه سیاسی ایران برخوردار می باشد، مردم ایران باید فقط به شنیدن حرفهای کهنه و خسته کننده افراد شناخته شده، منفور و امتحان داده ای مانند داریوش همایون و شاهین فاطمی و حسین لاجوردی اکتفا نمایند؟ چگونه است که میدان تبلیغات در زمانیکه صحبت از اتفاق و اتحاد میان تمام نیروهای سیاسی ورد زبان گردیده، فقط در انحصار افراد خاصی قرار گرفته و آقای همایون و فاطمی، پس از یک عمر وطن فروشی و مزدوری سیا اینک در سنین باز نشستگی سخنگویان نهضت های رهایی بخش کشورمان شده اند (!) و امثال حسین لاجوردی هم متصدی تدارکات و آتش بیار معرکه شوم و بی عاقبت آنها گردیده است؟

2) آیا هموطنان علل تصمیم شادروان دکتر علی امینی مبنی بر اخراج فاطمی را از جبهه نجات ایران در سال 1985 استفسار کرده اند؟ آیا میدانند که این فرد که از سوی سیا برای خنثی ساختن تلاش های میهن پرستانه مرحوم دکتر علی امینی و شادروان شهید، دکتر شاپور بختیار استخدام گردیده بود، پس از پیاده کردن این توطئه شوم و پرکردن جیب هایش بکلی صحنه مبارزات را ترک نموده و تا این اواخر که مردم ما بعد از زاران تلاش و زحمت یکبار دیگر با یک اقبال نوین برای رودرروئی با نظام حاکم روبرو شده اند، سر از خاک بیرون نکشید؟ آیا باید گذاشت که چنین فرد بی شرم و فاسدی که سابقه ریا و تزویر او برای تمام جریان های سیاسی به مانند روز روشن است، یکبار دیگر محیط مبارزاتی مردم ایران را مسموم سازد؟

3) آیا پرسیده شده که چگونه است که اخیراً در جلسه از پیش طراحی شده ای که برای رسوایی مبارزان جناح «چپ» و ارائه فاطمی (و دوستان) بعنوان یک عنصر قابل قبول از سوی لاجوردی در برلن تشکیل شد، عوامل جمهوری اسلامی نیز در آن شرکت داشتند و شناسائی آنها که اجازه فیلمبرداری از جلسات نیز بطور رسمی به آنها داده شده بود، موجبات اغتشاش و بهم ریزی را در سالن برگزاری جلسات فراهم آورد و منجر به ایجاد بی اعتباری برای تمام شرکت کنندگان گردید؟

4) آیا سابقه و ماهیت و کاملاً فاسد فردی چون اسدالله مروتی و برنامه های عوامفریبانه و سانسور شده رادیوئی او به ایران که اثری جز ایجاد بی اعتمادی در میان توده های مردم و بویژه جوان ها ندارد بر کسی پوشیده است؟

5) و بالاخره اینک چندی است که زمزمه ایجاد يك «شورای رهبری» متشکل از این عوامل فاسد و تنی چند عنصر دست چین شده دیگر از سوی این جوانب مطرح گردیده. آیا استحقاق ملتی که 23 سال برای آرمانهای خود مبارزه کرده این است که سرنوشت خود را از دست افرادی چون خامنه ای و رفسنجانی نجات دهد و به دست عناصری چون همایون و فاطمی و غیره بسپارد؟ اساساً آیا اینگونه ترندها میتواند قابلیتی جز از بین بردن اعتماد و اعتقاد میان ایرانیان بهمراه داشته باشد؟

در پایان ضروری است تأکید گردد که تنها با همت و فداکاری عواملی که پاکیزه تر و سازنده تر از عناصر حاکم بر کشورمان هستند است که میتوان قدم های مثبتی را بسوی آینده برداشت. لذا، تنها با تکثیر این هشدار و تأکید شناسائی واقعی کسانی که در جامعه ما داعیه رهبری می کنند است که می تواند ما را به مقصد نزدیک سازد. به این دلیل باید روش کنونی را زیر سؤال برد و خواهان اصلاحات واقعی و ملموس در میان مبارزان گردید تا یأس و دلزدگی جانشین امید و آرزوهای که امروزه در دل هم میهنانمان قرار دارد واقع نگردد.

بگهبانان بیدار استقرار دموکراسی و سکولاریزم در ایران

این هشدار بعنوان يك یادآوری برای سالروز 22 بهمن تهیه گردیده تا تاریخ دوباره تکرار نشود.

رضا از آلمان